سلام کتاب – ۱۶۵

کنار باغ لوکزامبورگ

کاوه فولادی‌نسب

«خبر برنده‌شدن‌تان را کجا شنیدید؟»

«راستش در خیابان بودم. بله در خیابان بودم که دخترم به من اطلاع داد.»

«اوه! دخترتان به تلفن همراه‌تان زنگ زد؟»

«بله، بله، بله خیلی تحت‌تاثیر قرار گرفتم. این خبر به‌طور خاصی برایم لذت‌بخش بود چراکه من یک نوه سوئدی دارم.»

«شما کجا بودید؟ در مرکز پاریس؟ دقیقا در کدام خیابان؟»

«اوه! دقیقا کنار باغ لوکزامبورگ بودم.» (خبرگزاری ایسنا)

این، بخشی از نخستین گفت‌وگوی پاتریک مودیانو پس از دریافت نوبل ادبی ۲۰۱۴ است؛ مصاحبه‌ای با هلن هرنمارک. این روزها درباره مودیانو زیاد گفته‌اند و زیاد خوانده‌ایم، پس من -برای اینکه تکرار مکررات نکرده باشم- از اطلاعات زندگینامه‌ای نظیر اینکه مودیانوی ۶۹ساله مادر بلژیکی و پدری ایتالیایی- یهودی داشته و کودکی سختی را گذرانده و برادرش را در کودکی از دست داده و از طریق مادرش با رمون کنو -نویسنده بزرگ فرانسوی- آشنا شده و از او درس خصوصی گرفته و همین شده که اولین کتابش را معتبرترین بنگاه انتشاراتی فرانسه -یعنی گالیمار- منتشر کرده و تا به حال جایزه‌های معتبری مثل گنگور و جایزه آکادمی ملی فرانسه را برده و آدم گوشه‌گیری است و ۲۹ کتاب نوشته و... درمی‌گذرم.

پاتریک مودیانو

پاتریک مودیانو برای من نویسنده‌ای است که به گم‌گشتگی انسان معاصر، بی‌هویتی، خلأهای زندگی شهری امروز (به‌خصوص در پاریس، که یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های داستان‌های اوست) و فقدان عشق (و جایگزین شدن آن با اروتیسم، گیریم بسیار پوشیده و نهان) می‌پردازد. جالب اینکه او این مفاهیم را معمولا در قالب آثاری با ساختار پلیسی- ماجرایی ارائه می‌دهد؛ ترکیب یا کمپوزیسیونی پارادوکسیکال، که رمانتیسمی اخته‌شده را به ماجراجویی‌ای آکنده‌شده پیوند می‌زند. منظور از این ساختار پلیسی- ماجرایی البته خلق آثار تریلری به شیوه سینمای هالیوود نیست؛ شکلی از کشف و جست‌وجوگری در فضای گروتسکی خفیف‌شده است که یا مانند «تصادف شبانه» توسط شخصیت اصلی رمان شکل می‌گیرد، یا مانند «در کافه جوانیِ گم‌شده» در مواجهه با ساختار کولاژواری که این رمان چندآوایی پیش روی خواننده به تصویر می‌کشد، در ذهن و به دست اوست که ساخته و پرداخته می‌شود. از این حیث به نظر می‌رسد مودیانو دارد به شیوه‌ای رادیکال به سراغ سرچشمه‌ها می‌رود و درون‌گرایی گوگولی را -که بعدها در آثار چخوف به بلوغ می‌رسد- به برون‌گرایی آلن‌پویی -که بعدها موپاسان به شکلی خلاقانه ابعادش را گسترش می‌دهد- پیوند می‌زند. شاید از همین ره است که بارها و بارها درباره‌اش گفته‌اند او نویسنده‌ای است که با استادیِ تمام خواننده را درگیر ماجرایی می‌کند که هرگز اتفاق نمی‌افتد. جهان داستانیِ آثار مودیانو، جهان پیوسته‌ای است که در هر یک از آثار او بخشی یا شمه و شمایی از آن پیش چشم خواننده به نمایش گذاشته می‌شود. خودِ او در همان مصاحبه‌اش با هلن هرنمارک بعد از دریافت نوبل ادبی گفته: «... من همیشه حس می‌کردم دارم یک کتاب می‌نویسم. این به آن معناست که ۴۵ سال است در حال نگارش یک کتاب به روشی منقطع هستم.»

نگاه نقد

درباره نمایش «ملاقات بانوی سالخورده» به کارگردانی هادی حجازی‌فر

جیب سرمایه‌دارها

هاله میرمیری

«کلارا» شخصیت اول نمایشنامه «ملاقات بانوی سالخورده» دورنمات، در صحنه‌ای از نمایش به «آلفرد دایل»، - مردی که او را دور زده و شرافتش را به خطر انداخته است-، می‌گوید: « نیکوکاری با کیف پول سرمایه‌دارها معنا پیدا می‌کند». او در حالی که شرورانه می‌خندد، با پوزخندی تلخ ادامه می‌دهد: «که تا به حال دنیا مرا بازی داده است و حالا این منم که آن را بازی خواهم داد.» خشم و احساس انزجار کلارا از امر خیر، با شبکه‌ای از احساسات منفی دیگر همراهی می‌شود و درنهایت «ملاقات بانوی سالخورده» دورنمات را شکل می‌دهند. دورنمات در این اثر – و هادی حجازی‌فر، کارگردان خوش‌قریحه‌ای که این روزها این نمایش را در سالن اصلی تئاتر شهر به نمایش درآورده است- چونان همیشه، مساله « عدالت» را نشانه رفته است؛ منتها نه از خلال یک پیکره واحد، بلکه به میانجی به میان آوردن چند ایده. مهم‌ترین و البته منحصربه فردترین این ایده‌ها، « فلسفه پول» و اهمیت اسکناس‌هایی است که می‌تواند روابط انسانی را حول خود معنا کند.ایده دیگر، چگونگی توزیع قدرت و پیوند آن با جنسیت است که دورنمات به خوبی در اثر خود و حجازی‌فر با تمسک به آکسسوارهای تئاتری، آن را خلق می‌کند. «عدالت» در این نمایش یک واژه که مفهوم آن به ذات درک شود نیست؛ بلکه، مفهومی است که مدلول‌های آن در بدنه داستان و مبتنی بر درک مخاطب از جهان ذهنی شخصیت اول نمایش- یعنی کلارا- درک می‌شود. کلارا و آلفرد، زمانی عاشق و معشوق بوده‌اند، آلفرد به دروغ و نیرنگ کلارا را دور می‌زند و موجب از دست رفتن شرافت او و اخراج‌شدنش از شهر می‌شود، کلارا سالیانی را به دور از گولن – زادگاه و شهری که در آن رشد کرده و خاطرات بسیاری دارد- می‌گذراند و درنهایت زمانی به این شهر بازمی‌گردد که ثروتمندترین زن شهر است و اهالی شهر از او طلب کمک مالی می‌کنند. پاسخ وی برای کمک کردن به وضعیت مالی اسفبار یک پیش‌شرط اساسی دارد؛ قتل آلفرد، معشوق و قاتل استعاری پیشین خودش.او می‌خواهد عدالت از میان رفته نسبت به خود را احیا کند؛ یک میلیارد دلار به شهر کمک می‌کند تنها در ازای مرگ آلفرد و اینچنین خود مفهوم بی‌طرف عدالت را بازتعریف می‌کند. بازتعریف اینچنینی عدالت دو کارکرد و نتیجه مشهود برای مخاطبان دارد؛ اول آنکه مخاطبان را در چرخه همذات‌پنداری و قضاوت اخلاقی عمل کلارا قرار می‌دهد و اذهان آنها را به چالش می‌کشد و دوم آنکه شکاف‌ها و پیکره ناموزون توده‌های مردم را در برابر امور مهمی چون منفعت شخصی، قضاوت‌های اخلاقی و امور خیر و شر نشان می‌دهد؛ مردمی که هر یک به نحوی خود را مبرا از امر شر نشان می‌دهند و جانب عدالت را می‌گیرند پیکره واحد و یکدستی ندارند، بلکه تنها و تنها در برابر منفعت شخصی – پیشنهاد مالی وسوسه‌برانگیز کلارا- پیرو امر خیر شده و طالب عدالت هستند. دورنمات در این نمایشنامه به خوبی از عهده بازنمایی مفاهیم انتقام و خشم زنانه و پیوندی که با مساله توزیع قدرت و اشغال کردن جایگاه مالی دارد، برمی‌آید. به‌صورتی که کلارا با داشتن سرمایه بالای خود موفق می‌شود برای همیشه پیکر مردی که در حق او ظلم روا داشته را تسخیر کند و به محدودیت‌های خود فائق آید.

گزارش فرهیختگان از نشست کمدیا دل‌آرته با حضور کاترین ون‌بوردن و قطب‌الدین صادقی

بازیگر درونت را بیدار کن

بهاءالدین مرشدی

وقتی بازیگر خودش را پشت ماسک پنهان می‌کند باید ابزارهای صورت و حرکات صورتش را که پشت ماسک پنهان شده به بدنش بیاورد. این درست همان چیزی است که در تئاتر کمدیا دل‌آرته اتفاق می‌افتد و بازیگر این نوع نمایش ایتالیایی باید بدنی آماده داشته باشد. این روزها کاترین ون‌بوردن مدرس هلندی تئاتر به همراه اعضای گروه هتل کارج هلند در ایران به سر می‌برد تا «تجسم بدن در بازیگری» را با علاقه‌مندان ایرانی در میان بگذارد. تئاتر «هتل کارج» یک کمپانی تئاتر است که براساس الگوی کمدیا دل‌آرته تئاترهای امروزی تهیه می‌کنند. سمینار پژوهشی کمدیا دل‌آرته در تماشاخانه انتظامی و با حضور کاترین ون‌بوردن، قطب‌الدین صادقی و حسین جمالی برگزار شد. سمیناری که در آن کارشناسان ایرانی درباره تشابهات و تفاوت‌های نمایش سیاه‌بازی و کمدیا دل‌آرته حرف زدند و ون‌بوردن هم از به‌روز کردن کمدیا دل‌آرته و آنچه در بازیگری در این نوع نمایش رخ می‌دهد با مخاطبان ایرانی‌اش گفت‌وگو کرد.

تفاوت سیاه‌بازی ایرانی و کمدیا دل‌آرته ایتالیایی

حسین جمالی، کارشناس نمایش‌های ایرانی در این نشست از تجربه‌های گروه تئاتر «نیست» در به‌روز کردن نمایش‌های ایرانی صحبت کرد و به تاریخچه دو نمایش کمدیا دل‌آرته و سیاه‌بازی و احتمال تاثیرگذاری آنها بر هم گفت. او افزود: «نمایش سیاه‌بازی براساس نمادها و نشانه‌های فرهنگی ایرانی شکل گرفته و کمدیا دل‌آرته نیز در غرب براساس نشانه‌های آنجا به وجود آمده است.» او به لحاظ ساختاری و جزئیات این دو نمایش را با یکدیگر مقایسه کرد. قطب‌الدین صادقی در این نشست از تفاوت‌ها گفت. صادقی معتقد است: «نمایش کمدی سیاه‌بازی ایرانی بیشتر بر کلام استوار است و نمایش کمدیا دل‌آرته تکیه کمدی‌اش بر بدن بازیگر است. بنابراین یکی از نمایش‌هایی است که می‌تواند به تجسم بدن در بازیگری کمک کند.» صادقی گفت: «فرهنگ ما بیشتر کلامی است و هنرهای تجسمی شانس زیادی نداشته‌اند. بیشترین بار معنایی برای انتقال مفهوم در روحوضی ما به کلام برمی‌گردد. مرحوم سعدی افشار در تکه پرانی و لغز و شوخی‌های کلامی نظیر نداشت. چند حرکت و یکی دو رقص هم انجام می‌داد و تمام می‌شد. بازیگر بزرگی چون سولری در ۷۰ سالگی به اندازه یک آکروبات‌باز روی صحنه حرکت می‌کرد.به نظر من فقر بزرگ روحوضی استفاده نکردن از بدن است. اگر می‌خواهیم تحولی در سیاه‌بازی انجام دهیم باید در راستای بدن بازیگر باشد.» قطب‌الدین صادقی که به‌عنوان مشاور این دوره در کنار گروه است، می‌گوید: «در سیاه‌بازی کلام ناقل شوخی است مثل جوک است، در حالی که در کمدیا دل‌آرته اصوات و زبان کمیک می‌شوند. بازیگران این نوع نمایش اصوات نامفهوم و صدای حیوانات کمیک در صحنه ایجاد می‌کنند تا جایی که صدا و بدن منشا کمیک قرار می‌گیرد، در حالی که چنین چیزی در ایران نداریم. در کمدیا دل‌آرته یک مساله اساسی وجود دارد که در سیاه‌بازی ما وجود ندارد آن هم اینکه در آخر هر حرکت تبدیل به یک ژست زیبا می‌شود. آخرین حرکت یک تصویر زیبا مثل مجسمه است. در روحوضی ما چنین چیزی نیست. زندگی روزمره در سیاه‌بازی است بنابراین از این ژست‌ها در آن خبری نیست. حرکت تراش نمی‌خورد و فنی نمی‌شود. در نزد ما بدن به خواب رفته است. من کمتر دیده‌ام بازیگران با کنترل تکنیکی روی صحنه بازی کنند درحالی که در کمدیا دل‌آرته این یک اصل است.»

اگر جهان یک هتل بود

این ون‌بوردن بود که در این سمینار از پشت میز بلند شد و صحنه را خالی کرد تا به همراهی دستیارش ماسک‌های نمایشی‌شان را که از کمدیا دل‌آرته برداشت کرده بودند به مخاطبان نشان دهد و به آنها بگوید چه‌طور می‌توان پشت این ماسک‌ها بازی کرد و از بدن استفاده کرد. او می‌گوید چون کمدیا دل‌آرته و بازیگران آن برای سرتاسر اروپا برنامه اجرا می‌کردند بنابراین زبان خودشان را به زبان جهانی که همان زبان بدن است، نزدیک کرده‌اند. این است که بدن در تئاتر کمدیا دل‌آرته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بازیگران ایتالیایی در سفر به کشورهای مختلف اروپایی از ویژگی بارز زبانی آن کشور و بدن‌شان برای انتقال داستان استفاده می‌کردند.با این همه ون‌بوردن به سنت این نمایش کاری ندارد و می‌خواهد آن را به‌روز کند تا داستان‌های امروزی را در قالب این نوع نمایش به تماشا بگذارد؛ نمایشی که در عین خنداندن، مردم را هم به تفکر وادار می‌کند. او می‌گوید بازیگر خودش نویسنده یک اثر است و در کنار او تماشاگر در اجرای یک تئاتر دخالت دارد و تماشاگر هم به‌عنوان نویسنده عمل می‌کند. تماشاگر وقتی در جریان نمایش با تصوراتش فضای نمایشی را در ذهنش مجسم می‌کند، شکلی از نوشتن را تجربه می‌کند. ون‌بوردن در این نشست به معرفی ماسک‌هایشان پرداخت و خصوصیت‌های آنها را برای مخاطبان تشریح کرد. طی این نشست یکی از دستیارهای ون‌بوردن صحنه‌هایی را اجرا می‌کرد. در بخش‌هایی از این نشست او به صورت عملی مخاطبان ایرانی را وادار می‌کرد با او همراهی کنند. ون‌بوردن می‌گوید: «مهم است که وقتی من کارم را انجام می‌دهم شما به این نتیجه برسید که یک بازیگر در شماست که دارد صحبت می‌کند. روشی که من از کمدیادل‌آرته کار می‌کنم نسخه‌ای است که از این نوع نمایشی دلم می‌خواهد.» او می‌گوید: «در پروژه‌های آموزشی می‌خواهم به بازیگران فرصت بدهم سطح بالایی از بازیگری و داستان‌سرایی را تجربه کنند تا بتوانند داستان خودشان را بگویند. این موضوع نه‌تنها یک هدف بلکه یک رویاست که من زندگی‌ام را وقف آن کرده‌ام.» ون‌بوردن معتقد است: «رفتارهای انسانی براساس چهار عنصر اصلی آب، باد، خاک و آتش استوار است و بدن بازیگر می‌تواند براساس همین چهار عنصر اصلی واکنش نشان دهد.» او می‌گوید: «رفتارهای شخصیت‌های کمدیا دل‌آرته براساس این چهار عنصر شکل گرفته است.» این گروه تئاتری قرار است سال ۲۰۱۶ فستیوالی را در هلند برگزار کنند. همه بازیگران از کشورهای مختلف دور هم در آمستردام جمع می‌شوند. ون‌بوردن می‌گوید: «هرجا می‌رویم از ما می‌پرسند اگر جهان یک هتل بود شما در آن، چه جایگاهی داشتید. بنابراین بازیگران مختلف اتاق‌ها و شخصیت‌های مختلفی را شکل می‌دهند.» این تور جهانی به شکل‌گیری «هتل کارج» ختم می‌شود که در آن مخاطبان، مردمی را از تمام لایه‌های جامعه می‌بینند. این کمپانی تاکنون به کشورهای کانادا، آمریکا، فلسطین، غنا و هنر سفر کرده و پس از ایران قرار است به ژاپن، کلمبیا کره و روسیه سفر کند. ورک‌شاپ‌های ون‌بوردن در تماشاخانه استاد مشایخی با همت «مرکز تئاتر مان» برگزار می‌شود.

کاترین ون‌بوردن مدرس هلندی تئاتر در نشست کمدیا دل‌آرته جسم بدن در بازیگری

خبرچین

تلاش برای ناآرام کردن سینما

نامه‌نگاری رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس به وزیر ارشاد برای اکران نشدن دو فیلم

فرهیختگان: سرانجام با نامه‌ای که رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شنبه هفته جاری ۲۶ مهر به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نوشت، موضوع دخالت نمایندگان مجلس در اکران فیلم‌های سینمایی وارد مرحله‌ای دیگر و فراتر از حدس و گمان‌های رسانه‌ای در این باره شد. رئیس کمیسیون فرهنگی در این نامه از علی جنتی خواسته است تا به‌طور مشخص دو فیلم «قصه‌ها» و «عصبانی نیستم» اکران نشود. فیلم‌های رضا درمیشیان و رخشان بنی‌اعتماد هر دو از وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی پروانه نمایش دریافت کرده‌اند و گفته می‌شود حتی حواله نمایش نیز دارند. صدور پروانه برای هر دو فیلم همراه با اعمال اصلاحیه‌های لازم بر آنها بوده است و هر دو کارگردان نیز تلاش کرده‌اند در برابر واکنش‌های افراطی علیه فیلم‌هایشان سکوت کنند و فضا را برای کارهایشان وارد لجبازی نکنند. نکته مهم این است که نامه‌نگاری رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس موضوع دخالت در اختیارات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را فراتر می‌برد و گمانه‌زنی‌ها برای تشریفاتی کردن نقش این وزارتخانه را تقویت می‌کند. پیش از این گفته شده بود که بنابر شنیده‌ها، نمایندگان مجلس به دنبال گرفتن اختیار مجوز پروانه نمایش به فیلم‌ها از ارشاد و دادن آن به شورای دیگری هستند. با ارائه این طرح در کمیسیون فرهنگی مجلس، اختیارات صدور پروانه ساخت فیلم‌ها تنها در اختیار سازمان سینمایی خواهد بود، اما پروانه نمایش نهایی فیلم‌ها را نهادی بالادستی صادر خواهد کرد. از شورای فرهنگ عمومی کشور به‌عنوان جایگزین نام برده می‌شود. از آنجا که صدور پروانه نمایش نیازمند شورایی تخصصی در حوزه سینماست، به نظر می‌رسد این مساله خارج از توان نهاد بالادستی خواهد بود که باید به کارهای زیادی در ارتباط با فرهنگ کشور بپردازد. از سوی دیگر می‌توان گفت که این طرح مقدمات حرکتی است که قصد دارد در گام‌های بعدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در حوزه‌های دیگر مثل صدور مجوز برای کتاب و موسیقی محدود کند و این وزارتخانه را به نهادی تشریفاتی که کارش در حد تنظیم‌کننده لایحه بودجه سالیانه و توزیع‌کننده اعتبارات فرهنگی است، تبدیل کند. برخی نیز از این فراتر می‌روند و گمانه‌زنی می‌کنند که کاهش اختیارات دولت را در بخش‌های دیگر نیز شاهد خواهیم بود. با وجود تولید سالانه بیش از ۱۰۰ فیلم در کشور به نظر می‌رسد مخالفان برای ناکارآمد کردن سیاست‌های فرهنگی دولت یازدهم از سینما یعنی حساس‌ترین بخش دست به کار شده‌اند تا چرخه تولید را دچار مشکل کنند. در حالی که مهم‌ترین وعده معاون سینمایی وزیر به جامعه سینمایی بازگرداندن آرامش به سینمای ایران است، مخالفان درصدد هستند تا با کارشکنی‌های مختلف، مانع تحقق وعده حجت‌الله ایوبی شوند.

احمدی نامزد جایزه لیندگرن

احمدرضا احمدی، به دلیل مشکلات تنفسی و ریوی و وخامت حال عمومی‌اش به بیمارستان آتیه منتقل شد. شاعر به بیمارستان رفته و از آن طرف هم خبرها حاکی از این است که او و علیرضا گلدوزیان مانند پارسال از طرف کانون فکری کودکان و نوجوانان به‌عنوان نامزد دریافت جایزه جهانی آسترید لیندگرن در سال ۲۰۱۵ معرفی شده‌اند. این جایزه بزرگ‌ترین جایزه جهانی ادبیات کودک و نوجوان است که از آن به‌عنوان جایزه اسکار ادبیات کودک نام برده می‌شود. در کنار این نامزدی است که دو موسسه دیگر هم محمدعلی بنی‌اسدی و فرشید مثقالی و همچنین مصطفی رحماندوست را برای این جایزه معرفی کرده‌اند. هدف از اهدای این جایزه تقویت و بالا بردن کیفیت در ادبیات کودک و نوجوان و ارتقای حقوق کودکان در جهان است. آسترید لیندگرن، نویسنده بنام سوئدی و صاحب کتاب‌هایی چون «پی پی جوراب بلند» و «کارلوس روی پشت‌بام» است. وی در سال ۲۰۰۲ در سن ۹۴ سالگی دیده از جهان فرو بست. دولت سوئد برای گرامیداشت یاد وی مسابقه‌ای جهانی با نام او پایه‌گذاری کرد که هر ساله در این کشور برگزار می‌شود.

«منشور» کوروش در یک آلبوم

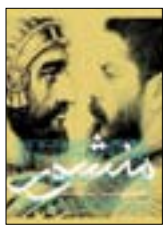

این روزها آلبومی منتشر شده که روی جلد آن تصویر کوروش حک شده است. نام این آلبوم «منشور» است و اشاره به منشور کوروش پادشاه هخامنشی دارد. این اثر با آهنگسازی وحید زردی منتشر شده است. زردی درباره آلبومی که این روزها به بازار موسیقی ارائه کرده می‌گوید: «دغدغه من در طول این سال‌ها همواره آن بوده تا بتوانم با بهره‌گیری از محتوای منشور کوروش و فرهنگ باستانی ایران، مضمونی برای دنیای امروز خلق کنم. این اثر که برای ارکستر سمفونیک، آهنگسازی، تنظیم و با نام منشور منتشر شده، دعوتی است به هویت.» نادر مشایخی درباره این آلبوم گفته است: «اگر آلبوم منشور را بشنوید خواهید دید که در آن به شخصیت کوروش از زوایای مختلف پرداخته شده و این نخستین بار است که یک هنرمند این‌گونه خودش را مشغول شخصیت کوروش می‌کند که این آلبوم کار بدیعی است.» رضا مهدوی نوازنده سنتور و مدرس دانشگاه هم درباره این اثر موسیقایی گفته است: «بعد حماسی عرفانی را به خوبی می‌شود از این اثر دریافت کرد و این آلبوم ارزش آن را داشت که با ارکسترهای ارمنستان یا اوکراین ضبط می‌شد.»

دقیقه ۹۰

کیتارو خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در چهارمین شب اجرای کنسرتش:

دوباره در ایران برنامه اجرا می‌کنم

فرهیختگان: آنها که موفق شده بودند برای پنجمین شب از کنسرت کیتارو نوازنده و آهنگساز شناخته‌شده ژاپنی در ایران بلیت تهیه کنند، با لغو این برنامه تنها موفق شدند پول بلیت‌شان را دریافت کنند یا همین کنسرت را برای روزهای بعد از محرم و صفر رزرو کنند. برگزارکنندگان اما قول دادند که این هنرمند را بعد از محرم و صفر دوباره به ایران دعوت کنند تا مجددا کنسرت داشته باشد. این نوازنده و آهنگساز صاحب‌نام ژاپنی ۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ مهرماه در تالار بزرگ وزارت کشور کنسرت موسیقی برگزار کرد اما شب پنجم اجرای این کنسرت به دلایلی که هنوز اعلام نشده، لغو شد. گویا حضور کیتارو در ایران قرار است منتهی به دیدارهای دیگری شود. دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه معاون امور هنری از اجرای کیتارو و مطلع شدن از چند و چون حضورهای دیگرش به این گمانه‌زنی دامن می‌زند. علی جنتی به همراه علی مرادخانی شنبه‌شب ۲۶ مهرماه پای حرف‌های کیتارو نشستند تا او قدردان حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در چهارمین شب کنسرتش در ایران باشد. او به علی جنتی گفته است: «به‌زودی دوباره در ایران برنامه اجرا خواهم کرد. این اجراها برایم بسیار خاطره‌انگیز بود. این آخرین شب کنسرت ماست، ولی به‌زودی شما را خواهم دید.» او از همکاری اعضای ارکستر سمفونیک با گروهش نیز تشکر کرده و گفته است: «بالاخره پس از چهار روز اجرا امروز به بیشترین هماهنگی و یک اجرای خوب با این ارکستر رسیدیم. در ابتدا هماهنگی برایم بسیار مشکل بود که با همکاری مسئولان و نوازنده‌های ارکستر توانستیم با زبان موسیقی با هم ارتباط بگیریم.» ۳۸ نفر از نوازندگان ایرانی او را در شب چهارم اجرایش همراهی کردند. در همین دیدار علی مرادخانی درباره برنامه‌های آینده برای حضور موسیقیدان‌های مطرح جهانی گفته است: «با فعال‌سازی ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی زمینه حضور هنرمندان بین‌المللی فعال‌تر خواهد شد و امیدواریم از این به بعد شاهد فعالیت بیشتری در این زمینه باشیم. در برنامه امروز پایه اجرا برعهده نوازندگان ایرانی بود. همچنین برای این اجرا نوازنده‌ها از ملیت‌های مختلف حضور داشتند که خود گوشه‌ای از دیپلماسی فرهنگی است.» معاون امور هنری تاکید کرده است که موضوع اقتصاد هنر را در دولت یازدهم به‌طور جدی دنبال خواهد کرد: «در حد توان خود کمک می‌کنیم تا کارهای بزرگ در حوزه هنر به دست بخش خصوصی انجام شود. کیتارو عنوان می‌کرد برگزاری آرام این برنامه با حضور چند هزار نفر نشان از امنیت فوق‌العاده ایران دارد. این سخن نشان می‌دهد با اجرای این برنامه امنیت، فرهنگ ملت و فضای آرام کشور را به رخ دنیا کشیدیم.» مرادخانی همچنین وعده داده است کیفیت سالن وزارت کشور را برای اجرای موسیقی بررسی کنند تا امکانات آن به تدریج زیادتر شود.

خط داغ

■ فرهیختگان: برای آنها که سریال‌های پرمخاطب و مشهور «خانواده مدرن»، «من با دورا ازدواج کردم» و «ساعت شلوغی» را دیده‌اند، خبر خوبی نیست، اینکه الیزابت پنا در ۵۵ سالگی درگذشت. او از بازیگران سرشناس آمریکای لاتین بود و جایزه هنرهای رسانه‌ای آمریکای لاتین (آلما) را نیز کسب کرده بود. این هنرپیشه آمریکایی-کوبایی در نقش گلوریا در سریال خانواده مدرن بازی می‌کرد.

■ فرهیختگان: فیلم «لویاتان» ساخته «آندری زیاگینتسف» نماینده سینمای روسیه در اسکار ۲۰۱۵ عنوان بهترین فیلم پنجاه‌وهشتمین جشنواره فیلم لندن را از آن خود کرد. «لویاتان» از شانس‌های اصلی نخل طلا در شصت‌وهفتمین جشنواره فیلم کن بود که درنهایت جایزه بهترین فیلمنامه این رویداد سینمایی معتبر را از آن خود کرد. از این فیلم به‌عنوان یکی از شانس‌های اصلی دریافت اسکار بخش غیرانگلیسی‌زبان نام می‌برند.

■ اعتدال: مژده لواسانی و آزاده نامداری بدون اعلام مورد خاصی از طرف مدیران سازمان صداوسیما در لیست ممنوع‌التصویران این سازمان قرار گرفته‌اند. گرچه هنوز هیچ مقام مسئولی از این سازمان، این خبر را رد یا تایید نکرده است، گفته می‌شود که علاوه‌بر نام مژده لواسانی و آزاده نامداری، در لیست جدید، برخی چهره‌های دیگر تلویزیونی نیز یافت می‌شود.

■ فرهیختگان: بیمارستان مهر تهران این روزها محل بستری شدن نصرالله ناصح‌پور، پیشکسوت آواز ایرانی است. این استاد آواز از روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه به دلیل شدت گرفتن بیماری‌اش به بیمارستان مهر منتقل شده و در همان روز تحت عمل جراحی قرار گرفته است.

بنابر گفته فرزند ناصح‌پور، عمل جراحی با موفقیت انجام شده و حال عمومی و جسمی او رضایتبخش است. نصرالله ناصح‌پور، هنرمند اردبیلی از شاگردان بنام محمود کریمی، امیر قاسمی، سعید هرمزی، نورعلی برومند و عبدالله قوامی است. استاد آواز ایرانی در طول سال‌ها فعالیت موسیقایی‌اش شاگردان بسیاری را تربیت کرده که از آن جمله می‌توان به محمدرضا لطفی، جمشید عندلیبی (در زمینه ردیف و جواب آواز)، محمود مخدوم، صدیق تعریف، پری ملکی، آرش رحمانیان، محمد ملاآقایی‌روزبهانی (همگی در رشته آواز) اشاره کرد.

■ آنا: منتقدان فیلم لس‌آنجلس قرار است در مراسم سالانه‌ای که برای اهدای جایزه دستاورد هنری یک عمر برگزار می‌کنند، جایزه خود را به جینا رولندز، بازیگر ۸۴ ساله آمریکایی اهدا کنند. این مراسم در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۱۵ (۲۵ دی) برگزار خواهد شد. جینا رولندز از سال ۱۹۵۴ وارد حرفه بازیگری شده و بیش از همه به‌واسطه بازی در فیلم‌هایی که شوهر او، جان کاساوتیس کارگردانی کرده است، آثاری مانند «سایه‌ها» و «چهره‌ها» شهرت دارد. رولندز در ۱۰ فیلم به کارگردانی جان کاساوتیس بازی کرده و برای بازی در دو فیلم از آثار شوهرش، «گلوریا» محصول ۱۹۷۵ و «زنی تحت تاثیر» محصول ۱۹۸۱ نامزد جایزه اسکار شده است. وی همچنین برنده دو جایزه گلدن گلوب و چهار جایزه امی شده است.

■ فرهیختگان : هوشیار انصاری‌فر و علی مسعودی‌نیا نخستین مجموعه داستان مهدی اسدی‌زاده با نام «آیا بچه‌های خزانه رستگار می‌شوند؟» را نقد و بررسی خواهند کرد. نشست نقد و بررسی این مجموعه روز پنجشنبه اول آبان‌ماه ۱۳۹۳ از ساعت ۱۵ در دفتر انتشارات پیدایش (به نشانی خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای ژاندارمری غربی، پلاک ۸۶) برگزار می‌شود و حضور برای عموم آزاد است.

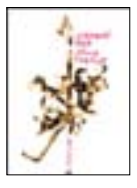

■ فاطمه معتمدآریا فیلمنامه‌ای از طلا معتضدی به دستش می‌رسد که آن را بسیار بی‌نقص و جذاب می‌بیند و به کارگردان آن کاوه ابراهیم‌پور قول می‌دهد تا در نخستین فیلمش بازی کند. حالا «یحیی سکوت نکرد» فیلمبرداری‌اش تمام شده است و باید منتظر ماند تا این بار بازی او را در نقش زنی تماشا کنیم که به ناگهان سرپرستی برادرزاده‌اش را قبول می‌کند.